



**تحلیلی بر کارکردهای عزاداری بر مصیبت ابا‌عبدالله در ماه محرم**

# جامعه‌شناسی سوگواری مقدس

**حسین جمشیدی**<sup>۱</sup>؛ در زمان کوتاهی که تا شروع ماه محرم و سوگواری امام سوم شیعیان باقی مانده است، این وظیفه را بر خود دیدم که در حد و اندازه‌های دانش اندک خود تحلیلی جامعه‌شناختی بر کارکردهای اجتماعی این آیین سوگواری شیعیان داشته باشم.
رفتار-فقه جامعه ایران یکپارچه مهیای ابراز عشق و اظهار ارادت به مفهومی عظیم و برجسته به نام حسین(ع) و آرزمانی کهن و دیرینه و مقدس به نام عاشورا می‌شود. مراسم‌های دینی و آیین‌های سوگواری مختلف‌امری معمول و متداول در تمام‌ادیان و مذاهب مختلف‌درنیای بشریت است اما بدون اغراق و بزرگ‌نمایی، محرم و مراسم سوگوارانه آن، در جهان کم نظیر و بی‌همتااست. بدون شک و با قاطعیت، آیین عزاداری برای امام سوم شیعیان بزرگ‌ترین آیین سوگواری است که جهان معاصر به خود دیده است.اگرچه تمام شیعیان در کشورهای مختلف دنیا در این ماه به سوگواری می‌پردازند اما در کشورهایی مانند ایران، عراق، پاکستان و… این سوگواری جنبه‌ای اساسی تر دارد. مراسم دینی و آیین‌های عزاداری اینترنتی دارای کارکردهای مختلف دینی و اجتماعی هستند که درباره آنها (خصوصا کارکردهای دینی) کتاب‌ها و مقالات بسیاری منتشر شده است. در اینجا سعی بر آن است تا به اختصار و صراحت با کارکردهای اجتماعی سوگواری محرم آشنا شویم. سوگواری در جوامع شیعی دارای کارکردهای آشکار و پنهان مختلفی است که آن را ماندگار کرده است. زیرا بنا به منطق کارکردگرای در جامعه‌شناسی یک وضعیت فرهنگی تا زمانی که دارای کارکرد اجتماعی است از پویایی و هیجان اجتماعی نیز برخوردار خواهد بود. (ریترز ۱۹/۱۳۸۴) به این معنا که اگر یک وضعیت فرهنگی کارکرد خود را از دست بدهد رو به فراموشی و خاموشی خواهد رفت. در ادامه به اختصار به کارکردهای اجتماعی محرم می‌پردازیم:

## وقتی آنلاین هستیم، فیلم بازی می‌کنیم یا خود واقعی‌مان هستیم؟

## خودتان باشید!

دوستانم به تماشای امره مدت ۳ رفته‌یم. خارق‌العاده بود. واقعاً از آن لذت بردم! به نظرم رسید از فیلم دوشم خیلی بهتر بود.»

**■ به طور کلی، اینترنت قلمرو توجه به خود است**

در نامه اول، نویسنده صادق و نسبت به خود متناقذ بود. در دومی، او ناراحتی‌هایش را روتش کرد تا روزش را تا حد ممکن رشک‌برانگیز کند. این نخوت جمعیت است. عجیب نیست که جوان‌ها سلفی‌های زشت خود را در اینستا‌پشت برای دوستان نزدیک می‌فرستند و غروب‌های دل‌انگیز را برای مخاطبان بیشتر خود در اینستاگرام نگه می‌دارند. صحبت با گروه بزرگی از افراد ما تا تحریک می‌کند که خود را به بهترین شکل ممکن عرضه کنیم. در فیس‌بوک و توئیتر، گروه بزرگ مخاطبان شامل حلقه‌های هم‌مرکزی از صمیمیت است،

از دوستان نزدیک گرفته تا همکاران دور یا افرادی که اصلاً نمی‌شناسیم اما به هر حال نگران قضاتشان درباره خود هستیم. اینترنت، به سادگی که در حالت آنلاین امکان پذیر نیست، از ما می‌خواهد به پوش‌پوشی غریبه‌ها پاسخ بدهیم. صرف اطلاع از اینکه کسی ما را می‌بیند گرفتارمان را عوض می‌کند. بررسی زنان در دانشکده‌های بازرگانی تراز اول نشان داد آهنگایی که فکر می‌کردند مهم‌کلاس‌هایشان می‌توانند پاسخ‌هایشان را ببینند، نسبت به چند ساعت عضویت در این حزب دل‌شاد ۱۸ هزار دلار حقوق کمی می‌خواستند و ساعات کاری کمتری

را ترجیح می‌دادند. وقتی مردم فکر می‌کنند کسی دارد آنها را نگاه می‌کند، شخصیت خود را طوری اصلاح می‌کنند که با انتظارات جمع- در این مورد با استنادامات تأسفیبار جنسی- تطابق داشته باشد. رسانه‌های اجتماعی مانند برانداژکننده‌های دائمی هستند و کاربران در آنها رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که با شبکه محلی‌شان هماهنگ باشد. در نتیجه فرادگ خودمشترک توئیتر کاربران جدید را اغوا می‌کند که از خودمشترک باشند در حالی که اشباع اینستاگرام با عکس‌های غروب، افراد را تشویق می‌کند زندگی خود را طوری مستند کنند که گویی فیلم است. این تنها اندازه مخاطبان نیست که شگاف ارتباطی را بزرگ می‌کند، زمان هم دخیل است. آدر گفت‌وگوی|چهره به چهره، افراد بیش از ۲ میلی‌تاییه مکت نمی‌کنند و نوبت صحبت بین آنها عوض می‌شود. در مقابل، در ارتباطات کتبی، از نامه‌های مرکی گرفته تا اسنپ، افراد فرصت دارند پیام‌های خود را اصلاح کنند و بهبود ببخشند. مکالمه به ارائه تبدیل می‌کند، بلکه اینگونه است که ما را به انتشار تشویق می‌کند و دیگر معیارهای کمی شهرت بر میل به فهمیده شدن از سوی طرف مقابل- توضیح بیشتر حرف خود در صورت نیاز- سایه می‌اندازد. اینگونه است که رسانه‌های اجتماعی شخصیت‌های ما را از پوشش بیرون می‌آورند. تحت نظر بودن باعث می‌شود نسبت به مخاطبان‌مان آگاه باشیم. گویا اجرا برای افراد بیشتر ما وادار به اغراق می‌کند؛ زمان اظهار نظر امکان می‌دهد خود را ویرایش کنیم. شاید اینطور نیست که فیس‌بوک و مانند آن ما را به افرادی خودمشترک تبدیل می‌کند، بلکه اینگونه است که ما را به انتشار تشویق می‌کند و انتشار معمولاً خودشیفته‌تر است. این صحنه‌های جدید، عناصری پنهان در طبیعت انسان را آشکار می‌کنند که تا کنون خفته مانده بودند. گاهی این هیوت‌های نوظهور زیبا هستند. درون گراهای ارتباطی یا افرادی با اضطراب اجتماعی شاید پشت تلفن یا رایانه با ذکاوت و زبان‌آوری خود بدرخشند. کمی زمان و تنهایی داشتن برای فکر کردن به اعتقادات‌شان به این افراد کمک می‌کند موثر تر ارتباط بگیرند. رسانه‌های اجتماعی گونه‌ای را که به خلوت عادت داشت به اجراکننده تبدیل کرده است اما این اجراها لزوماً دروغی نیست. شخصیت همای است که در جلوی دیگران هستیم. اینترنت که شخصیت‌های انعطاف‌پذیر ما را به گروه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تری از افراد نمایش می‌دهد، مرزهای بالاتر و پایین‌تر ظرفیت ما برای دلسوزی و بی‌رحمی، اضطراب و اعتماد را آشکار می‌کند. دوباره به دوستی می‌اندیشم که می‌گفت انگار در حالت آنلاین و در زندگی واقعی ۲ آدم متفاوت هستم. واقعاً برایم عجیب بود. همیشه فکر می‌کردم مه‌ار تصویری را که به مخاطبان جدید عرضه می‌کنم در دست دارم اما شاید حقیقت کاملاً عکس این باشد؛ مخاطب با هیوت ماست.

**ترجمه:نجمه رضانی / ترجمان منبع:ماگونیویست**

تعدادی از دست‌های بلند شده در مراسم عزاداری

در ماه محرم مشاهده می‌شود عموماً به صورت خودجوش نقش‌های اینگونه را می‌پذیرند و رفتار خود را مطابق آن نقش تغییر می‌دهند. بدون شک محرم دارای کارکردهای بیشمار دیگری است که در اینجا به آنها اشاره نشد، مانند کاهش بزه‌کاری، کاهش آسیب‌های اجتماعی، تأثیرات روحی و روانی بر افراد و … که می‌توان درباره آنها مطالعاتی انجام داد. چیزی که در اینجا اهمیت دارد این است که امروز سوگواری محرم تنها یک آیین دینی نیست، بلکه در جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه رسوخ کرده است. با استفاده از شرایط مناسب مهیا شده در ماه محرم می‌توان در سامان

بخشیدن به جامعه گامی بزرگ برداشت. در پایان قابل ذکر است علاقه به امام حسین علیه‌السلام و احترام به حرکت ایشان در واقعه عاشورا مختص فرهنگ مسلمانان نیست. در همه ادیان می‌توان علاقه به آن حضرت را پیدا کرد. در زرتشت هم افرادی را می‌توان پیدا کرد که در عاشورا به احترام امام حسین علیه‌السلام و حرکت او به سوگ می‌نشینند یا در نشست‌های عزاداری شرکت می‌کنند. کم نیستند زرتشتیانی که همواره در دهه عاشورا به مساجد مسلمانان می‌روند و در مراسم آنها برای مظلومیت بزرگ شهید مسلمانان اشک می‌ریزند و در روز عاشورا به سنت‌زنی برای این انسان آزاده می‌پردازند. همچنین می‌توان تاثیر امام حسین (ع) را بر افراد برجسته دنیا ملاحظه کرد هم‌طور که گاندری رهبر پرواژه هندی‌ها می‌گوید: من زندگی امام حسین علیه‌السلام، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده و توجه کافی به صفحات کربلا کرده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواد یک کشور پیروز شود، باید از سرمشق امام حسین پیروی کند.

✽**کارشناس جامعه‌شناسی**

### درباره تشکیل و فعالیت حزب رستاخیز

## حزبی که بود و نبودش در دسر بود!

آن است. سند اول مربوط به روزهای آغازین تشکیل حزب رستاخیز در اسفند ۵۳ است که در آن گروهی از کارمندان، کارگران و خدمتگزاران مجلس شورای ملی تقاضای پیوستگی به حزب را داشته‌اند و ناگفته پیداست در چنان فضایی که شاه با سخنان تهدیدآمیز خود درباره رستاخیز ایجاد کرده بود چه استقبال بی نظیری از این حزب شده بود اما سند دوم مربوط به دوره پس از انحلال حزب است. توضیح اینکه در بسیاری از شهرستان‌ها و بخش‌ها، عده‌ای از کارمندان و کارگران که پیش از تاسیس در جاهای دیگر مشغول به کار بودند پس از تاسیس حزب و عضویت‌شان در آن، به خدمت تمام‌وقت در آن مشغول شدند و از کارهای خود استعفا کردند. این افراد پس از انحلال حزب بی‌کار شده و دست یاری به سوی نمایندگان مجلس دراز کرده بودند تا حداقل آنان را به کارهای سابق خودشان بازگردانند. بدین گونه انحلال حزب و بی‌کاری اعضای آن در شرایط بحرانی آن روز جامعه ایران، خود به مقدار زیادی بر نارضایتی‌ها علیه رژیم شاه افزود و باعث تسریع در روند سقوط آن شد.

**سند شماره ۱: برگ اول**  
۱۳ اسفند ۵۳  
جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل محترم حزب رستاخیز ملی ایران  
با احترام عین درخواست کارمندان، کارگران و خدمتگزاران مجلس شورای ملی که به وسیله آقای «هوشنگ عقبا» مدیرکل امور مالی مجلس استدعای

**سند شماره ۲**

پیوستگی به حزب رستاخیز ملی را نموده‌اند، برای مزید استحضار به پیوست ایفاد می‌دارد. خواهشمند است مقرر فرمایند تقاضای آنان را مورد توجه قرار دهند. با تجدید احترام ابا امضای ا. رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

**سند شماره ۱: برگ دوم**

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل محترم حزب رستاخیز ملی ایران  
با نهایت احترام به عرض می‌رساند چون قبول پیشنهاد شاهنشاه آریامهر در مورد ۳ اصل «ظلم شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب سفید شاه و ملت» خواسته و آرزوی قلبی همه میهن‌پرستان واقعی است، کلیه کارگران و کارمندان و خدمتگزاران مجلس شورای ملی مجتمعاً به اینجانب مراجعه نموده از آن مقام عظمی استعفا می‌نمایند پیوستگی آنان را به حزب رستاخیز ایران به مدیر کل محترم حزب مزبور اعلام و متعسف نمایند. از حضور مبارک تمنا دارد در انجام مقصود و انجام تقاضای فوق دایر بر پیوستگی اینجانب و کلیه کارکنان مجلس شورای ملی امر به اقدام فرمایند. امر امر مبارک است. احترامات فائقه را تجدید می‌نماید. [با امضای ا مدیر کل امور مالی  
مجلس شورای ملی هوشنگ عقبا | تاریخ | ۱۲ اسفند ۱۳۵۳

**سند شماره ۳**  
جناب آقای دکترالموتی، نایب رئیس محترم مجلس شورای ملی  
احتراماً به استحضار عالی می‌رساند در مراکز شهرستان‌ها و بخش‌ها عده‌ای به عنوان سرپرست و کارمند در خدمت حزب رستاخیز انجام وظیفه می‌نمودند و این اشخاص قبلاً در ادارات دولتی و بخش‌های خصوصی دارای کار بوده و به علت آمدن به حزب رستاخیز و منحل شدن آن، فعلاً بی‌کار مانده و بنا بود یا خدمت این اشخاص را بازخرید نمایند یا آنهایی که مایل به کار هستند در ادارات دولتی به کار گمارده شوند. متأسفانه تاکنون نسبت به روشن شدن وضع آنها تصمیمی اتخاذ نگردیده و تصدیق می‌فرماید با هزینه سنگین زندگی نمی‌توانند جوابگوی عائله خود باشند. خواهشمند است به هر نحو که مقتضی است هر چه زودتر تکلیف اینگونه اشخاص را چه از لحاظ بازخرید شغل و چه ارجاع کار به آنها روشن فرمایند که عده‌ای دیگر به نارضایان مملکت اضافه‌شود. ضمن‌السامی اشخاصی که به اینجانب مراجعه نموده‌اند با سمت آنها را به اطلاع حضر تعالی می‌رساند- با تقدیم احترام- ابا  
امضای ا غلامرضا اعظمی بانودپور نماینده مجلس شورای ملی

۱- عبدالله کیانی کارمند تمام‌وقت حزب رستاخیز در شهرستان شاه‌آباد غرب

۲- علیرضا اعظمی سرپرست حزب رستاخیز بخش گیلان غرب

۳- فرامرز میهن‌زاده کارمند حزب رستاخیز نفت‌شاه و سومار.

**منبع: پیام‌بهارستان**

پس از کودتای ۲۸ مرداد و انحلال احزاب دوره مصدق و برقراری احتیاق و سانسور و سرکوب شدید، اواسط دهه ۱۳۳۰ از حزب وفادار به شاه به نام‌های «مردم» به رهبری «سلاطه علم» و «ملیون» به رهبری «نونوچهر اقبال» ایجاد شدند که به خاطر حرف‌شنوی از شاه و تلقی بیش از اندازه نسبت به او در میان مردم به احزاب «بله» و «بله قربان» مشهور شده بودند. لیکن سال ۱۳۴۲ این نظام دوحزبی در عمل به صورت تک‌حزبی درآمد، چرا که حزب ملیون با نام جدید «حزب ایران‌نوین» تجدید سازمان شد که رهبری آن ابتدا با «حسنعلی منصور» و سپس با «امیرعباس هویدا» نخست‌وزیران وقت بود. اگرچه شاه قبلاً در سخنانی اعلام کرده بود فقط کشورهای کمونیست و فاشیست هستند که با یک حزب اداره می‌شوند لکن به‌طور ناگهانی اسفند ۱۳۵۳ با عدول از حرف خود و با انحلال دو حزب موجود (مردم و ایران‌نوین) تاسیس «حزب رستاخیز ملت ایران» را اعلام کرد. شاه اظهار داشت در آینده دولتی تک‌حزبی بر سر کار خواهد بود و کسانی که مایل به عضویت در حزب نباشند، می‌توانند بدون هیچ هزینه‌ای پاسپورت گرفته و از کشور خارج شوند. به این ترتیب عضویت در این حزب به بسیاری از نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا، کارمندان و کارکنان دولت، دانشگاهیان و بسیاری از افسار دیگر جامعه همچون کارگران، روستاییان و بازاریان تحمیل شد. هر شرط عضویت در این حزب داشتن ۱۸ هزار تومان بود و افراد کمتر از ۱۸ سال عضو وابسته به حساب

می‌آمدند. به علاوه وفاداری به نظام شاهنشاهی، انقلاب شاه و ملت و قانون اساسی مشروطه سلطنتی، از دیگر شروط اصلی عضویت در این حزب به شمار می‌رفت. حزب رستاخیز را می‌توان رهاکاری سیاسی برای تثبیت دیکتاتوری مطلق شاه بر کشور دانست؛ آنچنانکه سیاست‌گذاری در بسیاری از وزارتخانه‌ها را به کمک ساواک بر عهده گرفت و حکومتی پلیسی ایجاد کرد. عضو شدن در حزب به منزله جرم تلقی می‌شد. این حزب سرساز سال ۱۳۵۴ را مشغول ایجاد سازمان سراسری خود در کشور بود. ایجاد سازمانی برای زنان و کنگره‌ای برای کارگران و چاپ چند نشریه برای افسار مختلف عضو در حزب از فعالیت‌های این حزب به شمار می‌رفت. تا پایان سال ۵۴، حدود ۵ میلیون نفر در شعبات مختلف حزب در سراسر کشور نام‌نویسی کردند. این گسترش حزب ۲ پیماد مهم به همراه داشت:

۱- تشدید سطره دولت بر طبقه متوسط حقوق‌بگیر، طبقه کارگر شهری و توده‌های روستایی

۲- نفوذ نظام‌یافته دولت در طبقه متوسط بویژه بازاریان و تشکیلات مذهبی

به این ترتیب با دخالت‌های وسیعی که حزب در کار این طبقات انجام داد، اعتراضات علیه فعالیت آن شروع شد و بتدریج شدت گرفت. عملکرد حزب، اعتراضات شدیدی را نیز در میان علما و روحانیون برانگیخت تا آنجا که حوزه علمیه قم دروس خود را تعطیل کرد و امام خمینی از تنگف به تمام مومنان واقعی پیام داد از این حزب دوری کنند. سرانجام کار به جایی رسیدی که حزب رستاخیز که هدف وجودی آن تحکیم بنیان‌هایی حکومت پهلوی بود، به جای به حرکت درآوردن اکثریت مردم در حمایت از رژیم، به مقدار زیادی بر نارضایتی‌ها افزود و انگیزه مردم را برای انقلاب علیه حکومت شاه افزایش داد به طوری که حتی خود شاه نیز از دیپهشت ۵۷ از عملکرد حزب ابراز نارضایتی و تأکید کرد این حزب به اهدافی که او برایش در نظر گرفته بود، دست نیافته است. با افزایش اعتراضات علیه رژیم شاه و سرعت گرفتن روند انقلاب، دولت «جعفر شریف‌امامی» روی کار آمد. وی سعی کرد با انجام اصلاحاتی، اعتراضات گسترده مردمی را آرام کند. از این رو وی علاوه بر تبدیل تاریخ شاهنشاهی به هجری، بستن قمارخانه‌ها، برداشتن سانسور شدید از مطبوعات و… صراحتاً اعلام کرد عضو هیچ حزبی نیست و این در حالی بود که اغلب نمایندگان مجلس، سناتورها و مقامات دولتی اجباراً عضو حزب رستاخیز بودند. سرانجام دوم مهر ۵۷، حزب رستاخیز پس از ۴۳ ماه فعالیت، رسماً انحلال خود را اعلام کرد و بدین ترتیب حزبی که گمان می‌رفت با تاسیس و فعالیت آن موقعیت‌شاه و رژیم او تحکیم خواهد یافت، خود چند ماه زودتر دچار فروپاشی شد، اگرچه تبدیل به اولین مهم و اثرگذار در سقوط نهایی شاه شد.

با توجه به مقدمه‌ای که گفته شد، در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ۲ سند وجود دارد که یکی مربوط به اوایل تاسیس رستاخیز و دیگری مربوط به مشکلات پس از انحلال

<sup>[1]</sup> حسین جمشیدی؛ در زمان کوتاهی که تا شروع ماه محرم و سوگواری امام سوم شیعیان باقی مانده است

<sup>[2]</sup> حسین جمشیدی؛ در زمان کوتاهی که تا شروع ماه محرم و سوگواری امام سوم شیعیان باقی مانده است